

Theme 10 (Sports)

**325. Athletic:** 1) physically strong and good at sport 2) [only before noun] relating to athletics:  
ورزشی، دارای بدن و قدرت ورزشی

*The Olympics appeal to global audiences with displaying **athletic skills** and competitive spirit.*  
المپیک با نمایش مهارت های ورزشی و روحیه رقابتی برای تماشاچیان جذاب است.

*If you want me to play, I will, but I'm not very **athletic**.*  
اگر می خواهید من بازی می کند ولی من زیاد ورزشکار نیستم.

نکته: وقتی می گوئیم something appeals to someone یعنی "آن کس از آن چیز خوشش می آید". این دو عبارت را با هم مقایسه کنید:

*Something appeals to someone.*  
*Someone likes something.*

**326. Rivalry:** a situation in which two or more people, teams, or companies are competing for something, especially over a long period of time, and the feeling of competition between them = competition

رقابت

***Keen rivalry** and high level of competition are the attractions of the Olympic Games.*  
رقابت شدید و سطح بالای رقابت، جذابیت های بازی های المپیک هستند.

*The two players have **developed a friendly rivalry**.*  
دو بازیکن یک رقابت دوستانه را بوجود آورده اند.

نکته: از کلمه rival می توانید به معنی "رقیب" استفاده کنید.

**327. Outlet for:** a way of expressing or getting rid of strong feelings

راه تخلیه احساسات

*People, especially young males, are in need of some form of **outlet for** their energy and emotion related with sports.*

مردم، علی الخصوص مردان، به نوعی تخلیه انرژی و احساسات مربوط به ورزش نیاز دارند.

*Is football a good **outlet for** men's aggression?*

آیا فوتبال راه تخلیه ای برای خشونت مردانه است؟

**328. Contest:** a competition or a situation in which two or more people or groups are competing with each other

مسابقه

*As part of growing leisure industries, sport and sporting **contests** will become increasingly important.*

به عنوان بخشی از صنعت درحال رشد تفریح، ورزش و مسابقات ورزشی روزبروز اهمیت بیشتری می یابند.  
*Stone decided to hold a **contest** to see who could write the best song.*  
استون تصمیم گرفت یک مسابقه برگزار کند تا ببیند چه کسی می تواند بهترین ترانه را بنویسد.

**329. Compete:** if one company or country competes with another, it tries to get people to buy its goods or services rather than those available from another company or country

رقابت کردن

→ competition (رقابت), competitor (رقیب), competitive (رقابتی)

*Cities will not cease to **compete to** host sporting events.*

شهرها رقابت خود را برای میزبانی رویدادهای ورزشی متوقف نمی کنند.

*The Renault **competes against** such cars as the Peugeot 206.*

رنو با ماشین هایی مانند پژو 206 رقابت می کند.

نکته: عبارت cease to do something یعنی "انجام کاری را متوقف کردن". از این عبارت می توانید به جای stop to do something استفاده کنید.

**330. Spectator:** someone who is watching an event or game

تماشاچی ورزشی

*Many services and facilities are required for serving athletes, media and **spectators**.*

بسیاری از سرویس ها و امکانات برای خدمات رسانی به ورزشکاران، رسانه ها و تماشاچیان لازم است.

*The match attracted over 40,000 **spectators**.*

مسابقه بیش از 40,000 تماشاچی را جذب کرد.

نکته: به تفاوت دو کلمه spectator و audience توجه کنید:

Spectator: تماشاچیان حاضر در رویدادهای ورزشی

Audience: تماشاچیان و حضار حاضر در برنامه های سرگرمی و اجراها

**331. Extreme sports:** sports that are very exciting or dangerous, for example white-water rafting, snowboarding, and free climbing.

ورزش های پرخطر

*Several **extreme sports**, including snowboarding, were included in the 2002 Winter Olympic Games.*

ورزش های پرخطر بسیاری مثل بردسواری در برف، در بازی های المپیک زمستانی 2002 وارد شد.

*Paintball is a new indoor **extreme sport**.*

پینت بال یک ورزش پرخطر جدید داخل سالن است.

**332. Fan British English Supporter:** someone who likes a particular sports team, and often goes to watch them play.

طرفدار

*The level of influence of football **fans** is a highly debatable issue across Britain.*

سطح تاثیر طرفداران فوتبال در سرتاسر انگلیس یک مسئله مباحثه برانگیز است.

**333. Performance-enhancing drugs:** drugs that are used illegally by people competing in sports events to improve their performance:

داروهای افزایش دهنده کارایی

***Performance-enhancing drugs** pose a major problem in the Olympic.*

داروهای افزایش دهنده کارایی به یک مسئله بزرگ در المپیک تبدیل شده است.

**334. Workout:** a period of physical exercise, especially as training for a sport:

تمرین ورزشی

*You can keep very fit with regular **workouts**.*

تو می توانی با تمرینات ورزشی منظم، خودت را خوش اندام نگاه داری.

The health benefits of **regular workout** and physical activity are hard to ignore.

مزایای سلامتی تمرینات منظم ورزش و فعالیت های فیزیکی را نمی توان نادیده گرفت.

**335. Vigorous/Strenuous exercise:** hard physical exercises

تمرین سخت ورزشی

*After the operation, you should avoid strenuous exercise.*

پس از عمل، تو بهتر است از تمرینات ورزشی سنگین اجتناب کنی.

**336. Gentle/Light exercise:** not extreme, or strong exercise

تمرین ورزشی سبک

*Gentle exercise can be beneficial for older people.*

ورزش سبک می تواند برای افراد پیرتر مفید باشد.

**337. To make money:** to earn or get money

پول درآوردن

*Professional athletes are **making too much money** in a society where salaries and wages are traditionally based on the value of work.*

ورزشکاران حرفه ای در جامعه ای پول زیادی درمی آورند که در آن حقوق ها و دستمزدها به صورت سنتی بسته به ارزش کار آنهاست.

*His one aim in life was to **make money**.*

هدف اصلی او در زندگی پول درآوردن بود.

**338. Payment:** an amount of money that has been or must be paid

پرداختی

***Payment** is received for a service, therefore professional sports are a business.*

پرداختی برای یک سرویس داده می شود، بنابراین ورزش های حرفه ای یک تجارت به حساب می آیند.

نکته: Payment پولی است که برای چیزی داده می شود. درحالیکه Fee پولی است که به یک دکتر، وکیل و ... داده میشود.

*I had to get rid of the car because I couldn't keep up the **payments**.*

*The **fee** for one hour's private tuition is \$60.*

**339. Life-threatening:** a life-threatening situation, illness, or injury could cause a person to die

تهدید کننده جان

*These athletes sometimes go through **life-threatening** injuries for the love of the game.*

این ورزشکاران گاهی به عشق بازی، به جراحت های تهدیدکننده جان دچار می شوند.

**340. Downside:** the negative part or disadvantage of something ≠ upside

عیب

*Signing contracts with athletes for enormous amounts of money has **downsides** too.*

امضاء قرارداد با ورزشکاران برای مقادیر زیاد پول عیوبی نیز دارد.

*Digital cell phones offer more security, but the **downside** is that they have less power.*

موبایل های دیجیتال امنیت بیشتری را ارائه می دهند، اما عیب آنها این است که قدرت کمتری دارند.

**341. Raise money:** to collect money that you can use to do a particular job or help people

پول جمع کردن

*Many athletes **raise** and donate **money** to charity.*

بسیاری از ورزشکاران برای خیره پول جمع کرده و اهدا می کنند.

*They are **raising money** to help needy youngsters.*

آنها برای کمک به جوانان نیازمند در حال جمع کردن پول هستند.

**342. Endorse:** if a famous person endorses a product or service, they say in an advertisement that they use and like it

تبلیغ کردن چیزی توسط افراد معروف

*These days, athletes **endorse** products including health foods and sunglasses.*

این روزها، ورزشکاران محصولاتى مانند غذاهای سالم و عینک تبلیغ می کنند.

**343. Participate (in):** to take part in an activity or event

شرکت کردن در

*If someone can afford to **participate in** a high risk sport, they should have the right.*

اگر کسی بتواند در یک ورزش پرخطر شرکت کند، او باید حق آن را داشته باشد.

*Some members refused to **participate in** the meeting.*

بعضی از اعضا از شرکت کردن در جلسه امتناع کردند.

نکته 1: همانطوریکه می بینید فعل participate به معنی "شرکت کردن در یک رویداد یا فعالیت" است و باید حرف اضافه in بگیرد. در حالیکه attend به معنی "شرکت کردن در یک کلاس یا یک جلسه" بوده و نیاز به حرف اضافه ندارد.

نکته 2: همانطوریکه در مثال اول می بینید هر گاه از کلمه ای مثل someone استفاده می کنید، در ادامه اگر جایی نیاز به خطاب به آن داشتید، در نوشته های رسمی به جای he/she از they استفاده می کنیم.

**344. Rescue:** to save someone who is in a dangerous situation

نجات، نجات دادن

*Extreme sports should be allowed to continue but the participants should be made to put down a sum of money to cover any costs that may occur in their **rescue**.*

ورزش های خشن باید ادامه پیدا کنند اما شرکت کنندگان باید مجبور شوند تا مقداری پول بپردازند تا هزینه هایی که ممکن است در عملیات نجاتشان اتفاق بیافتد را پوشش دهند.

*The **rescue** operation was successful.*

عملیات نجات موفقیت آمیز بود.

**345. Monotony:** the quality of being always the same, which makes something boring, especially someone's life or work

یکنواختی

*Extreme sports often are an escape from reality, from stress and from **monotony**.*

ورزش های خشن اغلب گریزی از دنیای واقعی، از استرس و یکنواختی زندگی است.

*She wanted to escape the **monotony** of her everyday life.*

او می خواست از یکنواختی زندگی روزمره اش بگریزد.

**346. Sport:** a physical activity in which people compete against each other.

ورزش

***Sport** helps us to keep fit.*

ورزش کمک می کند تا ما خوش اندام بمانیم.

*She bought a bright red **sports** car.*

او یک ماشین ورزشی قرمز روشن خرید.

*He does all types of **sport**.*

او تمام انواع ورزش ها را انجام می دهد.

نکته 1: کلمه sport وقتی به نوع ورزش اشاره داشته می شود قابل شمارش است اما در حالت کلی غیر قابل شمارش خواهد بود.

Cricket is a very popular sport in Yorkshire.

I'm not very good at sport.

نکته 2: وقتی می خواهید از این کلمه قبل از یک اسم دیگر استفاده کنید (ورزشی) حتماً از sports استفاده کنید:

a sports centre

a sports club

sports equipment

sports injuries

نکته 3: به عنوان فعل برای sport از do استفاده می شود، نه make:

Do you do any sport at school?

---

**347. A (major) step forward:** an action that makes things better

یک قدم (بزرگ) به سمت ...

*If we banned dangerous and violent sports, we would be moving **one step forward** in improving mankind.*

اگر ما ورزش های خطرناک را قدغن کنیم، یک قدم به سمت پیشرفت بشریت خواهیم برداشت.

*The discovery of penicillin was a **major step forward** in the treatment of infections.*

کشف پنی سیلین یک گام بزرگ به سمت درمان عفونت ها بود.

---

**348. Universal interest:** something interesting for everyone in the world or in a particular group:

علاقه جهانی

*Why do boxing matches, for instance, attract such **universal interest**?*

چرا به عنوان مثال، مسابقات بکس چنین علاقه جهانی کسب کرده است؟

*a topic of **universal interest***

یک عنوان دارای علاقه فراگیر جهانی

Theme 11 (Space Research)

**349. Divert something into/to/(away) from something:** to change the use of something such as time or money

چیزی را به سمتی/از سمتی متمایل کردن

*Some people suggest that government funding should be **diverted toward** improving the living standard of ordinary people instead of space research.*

پیشنهاد برخی مردم این است که سرمایه گذاری دولت باید به سمت پیشرفت استاندارد زندگی مردم عادی شود تا تحقیقات فضایی.

*The company should **divert** more resources **into** research.*

کمپانی باید منابع بیشتری را به سمت تحقیقات متمایل کند.

**350. Space exploration:** space research

اکتشافات فضایی

*The investment in **space exploration** can be paid off someday in the future.*

سرمایه گذاری در اکتشافات فضایی می تواند یک روز در آینده به نتیجه برسد.

**351. Unprecedented:** never having happened before, or never having happened so much.

غیر قابل پیش بینی

*Our planet is now facing an **unprecedented** resource problem, which can be tackled only by discovering new resources on other planets.*

سیاره ما در حال حاضر با مشکل غیر قابل پیش بینی منابع روبروست، که می تواند تنها با کشف منابع جدید در سیارات دیگر برطرف شود.

***Unprecedented** rates of population growth have had a significant impact.*

نرخ غیر قابل پیش بینی افزایش جمعیت یک تاثیر بزرگ داشته است.

**352. Re-settlement:** moving to a new place

تغییر مکان

*The world's population growth highlights the need to seek land suitable for people's **re-settlement** off the planet.*

رشد جمعیت جهان بر نیاز به جستجوی زمین مناسب برای تغییر مکان افراد به خارج از سیاره زمین تاکید میکند.



**353. Shelter:** a place to live, considered as one of the basic needs of life

سنگر، مکان امن

*In addition to searching for a **shelter** for future generations, space programmes contribute considerably to the well-being of the Earth.*

علاوه بر جستجوی مکانی امکان برای نسل های آینده، برنامه های فضایی به صورت قابل ملاحظه ای به سلامت زمین کمک می کند.

*They are in need of food and **shelter**.*

آنها نیازمند غذا و محل امن هستند.

**354. Platform:** a chance for someone to express their opinions

سکو

*Space research provides a new **platform** on which scientists can carry out experiments and make discoveries in a variety of fields such as agriculture.*

تحقیقات فضایی سکویی جدید است که از طریق آن دانشمندان می توانند آزمایشات خود را انجام داده و کشفیاتی در زمینه های مختلف مثل کشاورزی انجام دهند.

*The conference provides a **platform** for people to express themselves.*

کنفرانس سکویی برای مردم فراهم می کند تا حرف های خود را بزنند.

**355. Outer space:** far away in space

دوردست در فضا

*Despite numerous setbacks and expenditures, travelling in the **outer space** has never failed to attract people's attention.*

علیرغم موانع متعدد و مخارج، مسافرت در فضای دور تا به حال نتوانسته است توجه مردم را جلب نکند.  
*creatures from **outer space***

موجوداتی از فضای دور

نکته: وقتی منظور فضا (بیرون زمین) است، space بدون the می آید. The space به معنی فضای جایی است.

**356. Likelihood:** probability

امکان

*The first result of Moon landing is the **likelihood** of travelling on other planets.*

اولین نتیجه نشستن در ماه، امکان مسافرت به سیاره های دیگر است.

*Using a seatbelt will reduce the **likelihood** of serious injury in a car accident.*

استفاده از یک کمربند سرنشین امکان جراحت جدی در یک تصادف ماشین را کاهش می دهد.

**357. Feasible:** possible

ممکن، میسر

*Finding about the unknown of the universe is **feasible**, despite many challenges.*

یافتن در مورد ناشناخته های کهکشان، علیرغم بسیاری چالش ها ممکن است.

*It was no longer financially **feasible** to keep the community centre open.*

باز نگاه داشتن مرکز اجتماعی از نظر مالی دیگر میسر نبود.

**358. Abound in/with:** if a place, situation etc abounds with things of a particular type, it contains a very large number of them

فراوان داشتن

*The Moon has water, the basic resource for people's survival and it **abounds in** solar energy which is a clean source of energy.*

ماه آب دارد، منبع اصلی برای حیات مردم و همچنین انرژی خورشیدی فراوانی دارد که منبع پاکی از انرژی است.

*The forests **abound with** deer, and birds.*

جنگل ها پر از گوزن و پرندگان هستند.

**359. Plentiful:** more than enough in quantity

بسیار زیاد

*Minerals are **plentiful** on the Moon to be exploited.*

منابع معدنی بر روی ماه برای استخراج بسیارند.

*A **plentiful** supply of food*

یک منبع بسیار بزرگ غذا

122

**360. Distant future:** Far in the future

آینده دور

*Landing on other planets greatly impacts on **distant future**, although its effect is not apparent for the time being.*

نشستن بر روی سیارات دیگر تاثیر بزرگی در آینده دور دارد، اگرچه اثر آن برای حال مشهود نیست.

*We hope to create more jobs in the not too **distant future**.*

ما امیدواریم در آینده ای نه چندان دور شغل های بیشتری ایجاد کنیم.